



میر عبدالواحد سادات

”من شهزاده بودم ، مُلی خور نبودم”

این نبشته نقد واره ای یست بر صحبت جناب مصطفی «ظاهر» در جلسه استماعیه مجلس مشرانو جرگه مؤرخ سوم جدی (1991) هجری شمسی که عنوان فوق از متن صحبت شان انتخاب گردیده است.

شام روز 23 دسامبر اخبار طلوع نیوز افغانستان را مشاهده می‌کردم ، ضمن سایر اخبار گزارش مصور از جلسه استماعیه مشرانو جرگه پیرامون محیط زیست و مشکلات فراوان درین عرصه پخش گردید. واضح است که در پهلوی دهها مشکل که گریبان گیر مردم است یکی هم خرابی محیط زیست میباشد که بخصوص در شهرها و منجمله در شهر کابل بیک خطر جدی تبدیل شده و باعث مرگ و میر هموطنان ما گردیده است.

هنگام بحث پیرامون این موضوع ، انتقاداتی مطرح گردید و کارکرد های ریاست عمومی حفظ محیط زیست که آقای ظاهر متصدی آن است ،مورد سوال قرار گرفت.

در پاسخ به اظهارات و انتقادات سناتور ان آقای شهزاده ظاهر لب به سخن گشود و « عیب و هنر نهفته » را بر ملا ساخت که انگیزه تحریر این خامه گردید .

البته باید مطرح نمایم که تحریر این سطور ، نه بحساب «روزمره زده گی» و یا از پس حادثه رفتن ، بلکه بخاطر طرح چند موضوع دارای اهمیت اصولی در قبال زندگی و سرنوشت مردم انجام میابد، در غیر آن در دولتیکه و یا به عباره دقیقتر در «شرکت سهامی جهادی - طالبی - مافیایی» که تحت عنوان دولت جمهوری اسلامی رکلام میگردد، همه روزه اراکین بلند پایه بشمول رئیس جمهورش ، گلی را به آب وچرند وپرند را به خورد مردم میدهند ، رئیس یک اداره همچو محیط زیست نیز نباید از کاروان عقب بماند .

قبل از پرداختن به اظهارات شهزاده ، میخواهم به لباس ، قیافه ظاهری و حرکات و اطوارش مکث نمایم :

شهزاده را اولیای واقعی امور چنان دیزاین نموده اند که حکایه از دسایس الحیل و پلانهای بعدی انگریزی و امریکائی در آماده ساختن موصوف در فهرست سکانداران آینده ای ارگ کابل ، مینماید .

با لنگی وچین یکی از محلات (با احترام به لباس محل و مردم که به هیچ وجه مورد بحث ما نمی باشد) و تسبیح یکصد وچند دانه ئی در دست ، با قیافه و حرکات غیر متعارف داخل مجلس گردید که بیننده ای نا آشنا به زبان ما حتما" فکر خواهد کرد که صحنه ئی از کدام سرکس را به نمایش گذاشته اند. مثل آنکه اولیای واقعی امور در پشت پرده با این دیزاینری های خود خلق خدارا محروم از نعمت عقل می پندارند. مگر از کلاه قره قلی گذاشتن بر سر آقای کرزی درس عبرت نگرفته اند که جز خجلت ثمری برای شان نداشته است.

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش

من از طرز خرامت می شناسم

شهزاده با چنان عجله تسبیح می اندازد وزیر زبان چیزی میگوید که فکر مینمائی دقایق رسیدن به سراب موعود را شمار مینماید . بی خبر از آنکه مردم شریف وصادق افغانستان درون اشخاص را می بینند واز مولانای بزرگ آموخته اند :

ما درون را بنگریم و حال را

ما بیرون را ننگریم و قال را

مقدرات تاریخی این سرزمین کهن و وطن عزیز ما افغانستان چنان رقم خورده است که حفران کهنه کار استعمار متناوبا" این مضحکه هارا طراحی مینمایند و بیک کشور کهنسال و مردمانیکه در جاده طویل تاریخ نقش پای شان ثبت است، توهین روا میدارند. مردم حق دارند با این حقه بازیها نفرت و انزجار شانرا ابراز بدارند. این دیگر صاف و ساده توهین به دین و آئین مردم است. شهزاده بی تجربه نیاموخته است که درد ورنج مردم از کمبود ملا و چلی و طالب نمیباشد که با تمام نابلدی میخواهد گوی سبقت را از آنها بر باید. نامبرده فراموش کرده است که پدر کلانش با تمام نواقص در کار ، یک پادشاه مدرن لوکس و دنیایی بود.

زمانیکه شهزاده می خواهد برای سناتوران پاسخ ارائه نماید (البته تا جائیکه در اخبار طلوع نیوز گذارش یافت) و لب می گشاید ، حقانیت سخن حضرت سعدی را آشکار میسازد که:

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد

مصادق کامل مثل وطنی ما که :مشت بسته و هزار دینار .

شهزاده بسیار غضب و بر آشفته گردید و معلوم دار تعجب کرده که چگونه رعایای پدرکلانش جرئت کرده اند تا اداره او را مورد انتقاد قرار بدهند ، بدینرو با چهره بر افروخته و بر سبک و سیاق مرحوم شیرزاد وزیر اسبق تجارت گفت :

«من هم شهزاده بودم ، ملی خو نبودم. من برای تمویل مصارف فاکولته خود کار کرده ام و

سه و نیم تا چهار میلیون نهال با همین دستان خود شانده ام». ده درکجا و درختهای شهزاده درکجا. به گفته رئیس مشرانو جرگه، شهزاده بودن و تاریخ پدرکلان شما مطرح نیست شما بحیث مسئول یک اداره دولتی پاشخ بدهید.

چنان معلوم میشود که شهزاده هنوز در خواب خرگوش است و از گزند و گذشت روزگار نیاموخته است و کماکان عطر شام پاریسی و طعم برنج دیره دون را با خود دارد که با چنین وقاحت یک ملت و مردم را ملی خود می شمارد.

بلاخره چشم و چراغ بقایای خانواده شاهی و بعداز این همه انقلابات و جنگ و کشتار مصایب و آلام مردم، فخر فروشی مینماید و غربت و فقر مردم به عزا نشسته را طعنه میزند. هیئات، افسوس و صد افسوس!

آقای شهزاده :

اگر مردم ملی خورده اند از برکت بی کفایتی رژیم شاهی است که جناب عالی به شهزاده بودن آن فخر می فرورشد. حقایق تاریخی گویای این حقیقت است که فقیرترین خلق خدا در آن دوره حتی گیاه می خوردند و درسالهای اخیر آن رژیم مردمان عزتمند ولایات غور و بادغیس فرزندان خود را در همین شهر کابل به معرض فروش قرار دادند تا زنده بمانند.

هر وجدان بیدار و آگاه میداند که سرچشمه تمام حوادث خونبار بعدی از همین تراژیدی مردم محروم و مستضعف ناشی میگردد، مردم خواهان بهبود زندگی فلاکت بارشان بودند و جامعه آبستن حادثه بود.

شهزاده باید بداند که فقر کدام عیب نیست، اگر مستمری انگلیس نمی بود اجدادشان در دیره دون مجبور بودند ملی بخورند.

این گفتار شهزاده ظاهر در تناقض آشکار با نصوص قرآن مجید است که انسانها را صرفاً به اساس تقوا متمایز میسازد. و آشکارا در مخالفت با احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر که مورد تمسک قانون اساسی نافذ قرار گرفته، می باشد. بدین ترتیب در اظهارات شان عناصر جرمی

مطرح وجود دارد که اگر شهزاده نمی بودند ایشان به محاکمه کشیده میشد. (این اظهارات حتی با اصول نیو لیبرالیسم بوش کوچک که مایحصل آن همین بازار فساد است ،مغایرت دارد).

به هر حال محکمه وجدان حکم مینماید که باید در برابر مردم به عزا نشسته افغان که ظلم وستم شاهی و جمهوری ،چپی و راستی، جهادی و طالبی را متحمل واز دست روس و انگلیس، سعودی وپاکستان وایران زخم ها خورده اند و کنون در زیر سیطره امریکا دمار از روزگارشان بیرون میشود ، باید با احتیاط و احترام وخاضعانه صحبت کرد،(همین امشب 27 دسامبر) در اخبار طلوع نیوز گذارش رقت انگیز وتکان دهنده فروش یک طفل سه ماهه توسط پدرش ، نشر گردید وهمه روزه ما آه وفریاد بیجا شدگان هلمندی وسایر ولایات و درد جانکاه مردم را درین چله ای زمستان میشنویم) .

راستی یاد ما نرود ارستوکرات شکست خورده افغانستان از غرس سه ونیم تا چهار میلیون نهال به دستان خودشان گذارش داد (شاید بخاطر سهمگیری شهزاده ما در بهتر شدن محیط زیست وسرسبزی لندن به این پست منصوب شده اند) که گویا کار کرده وپول مصارف فاکولته را تدارک کرده است . هر کس در اروپا بلد باشد میداند که پول مصارف تحصیل از نهال شانی تدارک شده نمیتواند . البته در اروپا وامریکا معمول است که محصلین در پهلوی مدد معاش یکی دو روز در هفته کار مینمایند و این یک فورمول عام است چنانچه دختر بلگیت میلیاردر معروف جهان و مالک مایکروسافت نیز کارمیکرد وفرزندانش صدراعظم ووزرا همه کار میکنند.

البته در مورد صحت وثقم ارقام نیز باید شک نمود زیرا در یک محاسبه ساده ،در صورتیکه شهزاده ما حتی تا پنجصد نهال را روزانه غرس نموده باشد ، مدت تحصیل شان در فاکولته به بیست سال میرسد .

من این نقد گونه را نوشتم تا هموطنان ما در پهلوی آفات :

— قوماندان سالاری

— تفنگ سالاری

— زور و زر سالاری

— انجوسالاری

بلیات « اسپرم سالاری» را نیز دست کم نگیرند و برای مدعیان صحت و سلامت خاطر
استدعا نمایند.

میر عبدالواحد سادات

27 دسامبر 2012

جهت شنیدن و دیدن اصل خبر از آدرس ذیل بازدید بعمل آرند:

TOLOnews 6pm News 23 December 2012/ طلوع نیوز، ۰۳ جدی/دی ماه ۱۳۹۱

http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=Am4iKD4YsWY#!